

## فرمان سوم

تو باید روز خداوند را محترم بشماری

یعنی چه؟

ما باید از خدا پروا داشته و او را دوست بداریم بطوریکه نباید موعظه و کلام او را مورد بی توجهی قرار دهیم، بلکه باید آن را مقدس شمرده و با میل به آن گوش فرا داده و آن را یاد بگیریم

در شش روز خدا دنیا را آفرید و در روز هفتم استراحت کرد

اول موسوي فصل دوم آیه سوم:

روز هفتم را مبارک خواند و آن را برای خود اختصاص داد، زیرا در آن روز کار آفرینش را تمام نرد و از آن دست کشید

پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود، زیرا که در آن آرام گرفت، از همه کارهایی خود که آفرید و ساخت بود.

من از خودم پرسیدم که این آرامش خداوند در روز هفتم چطور بوده است. یعنی خداوند بعد از این آفرینش بزرگ پاهای خودش را بالا گذاشته و دراز کشیده است و عرق پیشانی خود را خشک کرده است، تا بالاخره يك استراحتی بتواند بکند؟ آدم به هر ترتیب نمی تواند آرامش خداوند را این طور تصور کند...

مزامیر فصل صد و بیست و یکم، آیه چهارم:

او حافظ و نگهبان اسرائیل است، و هرگز نمی خوابد



خبر ما باید این نوشته مربوط به پیدایش را دقیق تر بخوانیم. نه تنها خداوند در روز هفتم نمی خوابد بلکه این روز را در واقع يك نقطه عطفی برای کل آفرینش می باشد. او در این روز کل عالم آفریده شده را بغل می گیرد و مورد برکت و آرامش خود قرار می دهد. و منظور خدا از این که به انسانها امر کرده تا در روز هفتم کار نکنند و استراحت کنند هم همین است. استراحت در این روز هم به معنی این است که ما از کار دست بکشیم و هم بیشتر این معنی را می دهد تا ما کل کار و اعمال خود را به دستان پر برکت خدا بسپاریم.

روز سبت برای ما هم بزرگترین روز هفته به حساب می آید. خداوند متعال نیازی ندارد که برای آفرینش خود استراحت کند. و ما نیز نباید از فرمان سوم خدا فقط این را در نظر بگیریم که در این روز نباید کار کنیم.

ولی در زمان عیسی مردم دقیقاً همین کار را می کردند و برای رعایت نکردن این دستورات خداوند مجازات های خیلی سنگینی در نظر گرفته شده بود و مثلاً اگر کسی در روز سبت کار می کرد برای او مجازات مرگ اجرا می شد. برای همین هم عیسی همیشه تأکید میکند به عمل در این موضوع و خصوصاً در مورد فرمان سوم ( به متی فصل دوازده، آیه یکم مراجعه شود ) او به صراحت می گوید که منظور از فرمان سوم این است که ما همه چیزمان را به دستان پر برکت خداوند بسپاریم. طبق کلام آفریننده که می فرماید؛ "بنگرید، این است خداوند"

همیشه هم در طول هفته برخی چیزها هستند که اشتباه پیش می روند. گناهان و اشتباهات همه روزه وجود دارند و ما مرتکب این گناهان و اشتباهات در مقابل خداوند و انسانهای دیگر می شویم. پس روز استراحت موقعیه خوبیست تا ما برای اینها از خداوند طلب بخشش کنیم. اما برای بخشش باید کاری انجام بگیرد. در عهد قدیم مردم برای بخشش گناهان خود قربانی می کردند تا میان خداوند و انسانها مجدداً صلح برقرار باشد. و ما این را هم می دانیم که تمام قربانی های این دنیا هم کافی نیست تا بهای گناهان ما انسانها را بتواند بپردازد. و عیسی کسی بود که خود را قربانی گناهان ما کرد. در عیسی مسیح ابتدا آرامش این روز سبت به سوي ما می آید. قدرت آفریننده ای که از هیچ، این عالم هستی را بنا نهاد از طریق عیسی مسیح به سوي ما می آید و مخلوق تازه ای را خلق می کند تا آرامش این روز سبت را با خود بیاورد. پس ما نیز تنها از طریق عیسی می توانیم آرامش بی پایان این روز را دریافت کنیم و زندگی و اعمال خود را در اختیار خداوند قرار دهیم. حتی در عهد قدیم هم راجع

این موضوع با امیدواری بسیاری سخن گفته شده است:

اشعیا فصل چهل و هشتم، آیه هجدهم: کاش که به اوامر من گوش می‌دادی، آنگاه سلامتی تو مثل نهر و عدالت تو مانند امواج دریا می‌بود.

برای همین هم عیسی در روز سبت يك انقلابی به راه انداخت. و برای همین هم مسیحیان روز هفتم را به روز اول انتقال دادند تا روز سبت با روز رستاخیز مسیح یکی باشد. و برای همین ما مسیحیان نباید این اشتباه را دوباره تکرار کنیم در مورد روز سبت مارتین لوتر توضیح داده که، ما باید از خدا پروا داشته و او را دوست بداریم بطوریکه نباید موعظه و کلام او را مورد بی توجهی قرار دهیم، بلکه باید آن را مقدس شمرده و با میل به آن گوش فرا داده و آن را یاد بگیریم.

در این توضیحات مارتین لوتر ما را از قدرت آفرینندگی کلام خداوند آگاه می‌کند. خداوند عالم را از کلام خود آفرید و همچنین ما را نیز از طریق کلام زنده خود یعنی عیسی مسیح، به عنوان يك مخلوق جدید خلق کرد. در واقع روز سبت برای ما به این معناست که ما به کلام خداوند پناه آوریم و از این طریق نیرو بگیریم. و همچنین به این معنا که ما اعمال و رفتار خود را نه تنها در روز سبت بلکه همه روزه به خدا واگذار کنیم و اجازه داریم که همیشه از خداوند برکت بطلبیم... در زمان حال که همه چیز مدرن شده انسانها زمان کمتری دارند تا فرمان سوم را انجام دهند و همه چیز را به خدا بسپارند. از بچه کوچک تا دیگران همه و همه دچار این مدرنیته شدند و برای همین هم انجام مراسم روز سبت برای خیلی ها سخت شده است و انسانها نمی‌توانند طبق کلام خدا و تحت فرمان او رفتار کنند. و حتی این طور شده که برخی مسیحیان دیگر ضرورتی نمی‌بینند که به کلیسا بروید و یکشنبه ها کلام خدا را بخوانند. ما حتی این را سخت می‌دانیم که به کلیسا برویم و دعا کنیم، به خدا گوش فرا دهیم و صدای او را بشنویم و از او طلب قدرت کنیم.

در اینجا در مورد فرمان سوم ما به پایان قسمت اول به رسیدیم و این سه فرمان اول تشکیل دهنده قسمت اول هستند و موضوع آنها در مورد محبت به خداوند هستند، و در واقع پایه و اساس رفتار ما با یکدیگر می‌باشند. به طور خلاصه این سه فرمان را می‌توان این طور بیان کرد که: در فرمان اول موضوع راجع به خود خداست، دومین فرمان راجع به نام خداست، و یا چگونگی مکاشفه خداوند، و سومین فرمان در اینباره است که ما می‌بایست تمام زمانهای خود را تحت امر او قرار دهیم.

فرمان چهارم

تو باید به پدر و مادر خود احترام بگذاری تا اینکه زندگی خوب و عمر طولانی داشته باشی.

یعنی چه؟



ما باید از خدا پروا داشته باشیم و او را دوست بداریم بطوریکه به والدین خود بی توجهی نکرده و آنان را عصبانی ننماییم، بلکه احترام آنان را نگاه داشته، به آنان خدمت کنیم و گوش دهیم و آنان را دوست داشته و برای آنان ارزش قائل شویم.

فرمان چهارم تا دهم به ارتباط میان ما انسانها مربوط میباشد. چهارمین فرمان به ما این را نشان میدهد که مهمترین انسانهای زندگی ما چه کسانی هستند. والدین ما اولین کسانی هستند که خداوند در کنار ما قرار داده است. از طریق پدر و مادر، خداوند به ما زندگی را هدیه می دهد. و ما می بایست با والدین خود با احترام و محبت رفتار کنیم. اما این احترام تنها برای پدر و مادر نباید باشد. مارتین لوتر توضیح داده است که تمام کسانی که به عنوان ولی و قیم ما هستند باید شامل این احترام شوند. زیرا آنها از طرف خداوند بر ما حکومت می کنند. طبیعتاً فرمانبرداری از حکمرانها و والدین يك مرزي دارد. و ما باید از خداوند و فرمانهای او بیش از دولتها و والدین خود پیروی کنیم.

اعمال رسولان فصل پنج، آیه بیست و نهم: انسان باید از خداوند بیش از انسانهای دیگر فرمانبرداری کند.

فرمان چهارم خیلی زیاد با واقعیت ارتباط دارد. در جوامع غربی بچه ها روز به روز مستقل تر از قبل می شوند و این شکاف میان خانواده هر روزه شدیدتر هم رخ می دهد وقتی که مهد کودک ها و مدرسه ها و ... مسئولیت تربیت کودکان را در دست می گیرند. ولی ما نباید این را فراموش کنیم که خانواده در واقع به عنوان يك شاخصه کوچکی از جامعه ما می باشد و خداوند نیز این را از طریق فرمان چهارم تأیید کرده است. ولی این مسئله خانواده امروزه نیز مورد بحث است و شاید هم به همین خاطر که بسیاری از بچه های دیروز، امروز خود پدر و مادر هستند. و این پدر و مادرها که از خانواده های از هم پاشیده آمده اند اصلاً نمی دانند که تربیت فرزندان به چه شکل می باید باشد. و مسائل فرهنگی و اجتماعی هم مزید بر علت می شود تا این تغییرات به شکلی سریع تر انجام گیرد. و تفاوت نسلها و این تغییرات باعث شکاف های اساسی در نظام خانواده شده است، تا جایی که خانواده را به مرز از هم گسیختگی رسانده است و والدین راهی برای ارتباط با فرزندان خود ندارند. انسانها در این چهارچوب اجتماعی هر روز بیشتر پیش می روند و این شاید به این جا برسد که آنها دیگر معنای خانواده را متوجه نشوند. دیگر روند زاد و ولد کم می شود و بعضی اوقات نیز شاهد سقط جنین هستیم. و همه این اتفاقات بر خلاف خواست و اراده خداوند است. معلوم است که ما نمی توانیم تا وقتی که روی زمین هستیم، خانواده بی عیب و نقص داشته باشیم و در هر خانواده کلی اشتباه و مشاجره و اختلاف وجود دارد ولی با این خطاها زندگی کردن و قدرت بخشیده همدیگر را، ما مسیحیان داریم و اینطور می توانیم ریشه های این جامعه را شکل بدهیم. ما می توانیم توجه خود را متوجه خانواده کنیم و نظام خانواده را محکم نماییم.

در این جا فرمان چهارم می تواند به ما کمک کند، و این هدیه خداست که می تواند به خانواده معنای تازه ای بدهد. در آموزش و تربیت بچه ها ما به چیزهایی فراتر از تربیت شخصی والدین نیاز داریم. پدر بزرگ ها و مادر بزرگها و حتی الگو برداری از نسل های قبل می تواند نقش موثری در تربیت فرزندان ایفا کند.